

بررسی جایگاه آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند ۲۰۳۰ یونسکو و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی

الهام فرهادی^۱
محمد سالار کسرای^۲
مجید توسلی رکن آبادی^۳

چکیده

حقوق شهروندی از یکسو در چارچوب مرزهای یک کشور و به واسطه‌ی عضویت در یک جامعه‌ی سیاسی و بر اساس اقتضانات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی یک کشور تعیین و معمولاً در قانون اساسی کشور مشخص می‌شود و از سوی دیگر تحت تأثیر اسناد بین‌المللی قرار می‌گیرد. از آنجا که آگاه‌سازی افراد جامعه از حقوق شهروندی و نهادینه کردن آن در جامعه نیازمند آموزش است، پژوهش حاضر به بررسی جایگاه آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اعلامیه حقوق بشر اسلامی و تطبیق آن با سند ۲۰۳۰ یونسکو و اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته‌است. در این تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده‌است و جامعه‌ی آماری تحقیق شامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند ۲۰۳۰ آموزش یونسکو، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی است. مطالعه‌ی حاضر از نوع اسنادی است و داده‌های آن به شیوه‌ی کتابخانه‌ای-اسنادی جمع‌آوری شده‌است. نتیجه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که در یک بررسی مقایسه‌ای اعلامیه حقوق بشر اسلامی فاقد برخی مؤلفه‌های اساسی موجود در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. از سوی دیگر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، که از مهمترین اسناد سیاستگذاری آموزشی است، فاقد برخی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با آموزش شهروندی است.

واژگان کلیدی: آموزش شهروندی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند ۲۰۳۰ یونسکو، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، تحلیل محتوای کیفی.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
mohammadsalar.kasraie@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در دنیای امروزی، پیشرفت متضمن به کارگیری خردورزی در راستای ایجاد دنیایی بهتر و متناسب با نیازهای انسانی است و علم و موارد کاربرد آن، منابع و ابزارهای اصلی پیشرفت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به شمار می‌روند. از همین رو با توجه به اینکه دستیابی جوامع به توسعه و پیشرفت و بالابردن سطح زندگی افراد جامعه نیازمند توجه به ابعاد مختلف حقوق افراد است، نظام‌های آموزشی در سراسر جهان ملزم به آموزش این حقوق و مسائل مرتبط با آن هستند. از سوی دیگر پدیده‌ی جهانی شدن با در هم شکستن مرزها، موجب نمایان شدن در هم تنیدگی زندگی انسان و تکنولوژی شده است از همین رو امروزه بیش از پیش جوامع نیازمند آموزش متناسب برای زندگی بهتر در این عصر هستند که یکی از این الزام‌ها، آموزش شهروندی است. به عبارت دیگر تحولات و ضرورت‌های اجتماعی، فناوری، سیاسی و اقتصادی در سال‌های اخیر سبب شده است آموزش شهروندی در بُعد بین‌المللی از جمله دغدغه‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تعلیم و تربیت و در بُعد داخلی موضوع مورد مناقشه میان سیاستگذاران باشد. صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش‌های شهروندی به صورت کلی، موجب مشارکت آگاهانه فرد در فعل و انفعالات جامعه شده و از سویی دیگر، موجبات احترام و ایفای حقوق فردی توسط حکومت را فراهم می‌کند و در نتیجه، تعهدی دوجانبه میان فرد و حکومت بوجود می‌آورند.

در واقع امروزه حکمرانان و قانونگذاران متناسب با شرایط و اقتضانات جامعه، حقوق شهروندی را تعیین و اجرا کرده و به شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهروندی و همچنین چگونگی این آموزش‌ها می‌پردازند و درصدد نهادینه کردن حقوق شهروندی از طریق آموزش شهروندی در جامعه هستند. این حقوق در قوانین، مقررات عمومی و اصول حقوقی بیان شده است و ساختارها از این الزام‌ها، عرف‌های اساسی و رویه‌های سیاسی و قضایی اثر می‌پذیرند (غمامی، ۱۳۹۹: ۱۹۶).

سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو و اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله اسناد و اعلامیه‌های جهانی هستند که در اکثر کشورها توانسته‌اند مبنای سیاستگذاری‌های کلان باشند. سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو بر اصول کرامت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح، شمول اجتماعی و

حفاظت و تنوع قومی، فرهنگی و زبانی و نیز بر مسئولیت مشترک و پاسخگویی استوار است و از آنجا که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر برای نخستین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها سزاوار آن هستند را به صورت جهانی بیان می‌دارد، بر همین اساس می‌توان مشاهده کرد که این اعلامیه در تعیین اصول سند ۲۰۳۰ یونسکو تا چه حد تأثیرگذار بوده است. همچنین مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و از اعتبار حقوق بین‌الملل برخوردار است، زیرا به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود.

از سوی دیگر کشورهای اسلامی با اشاره به این نکته که اعلامیه جهانی حقوق بشر زمینه‌های فرهنگی و دینی کشورهای غیرغربی را در تدوین حقوق بشر لحاظ نکرده است و باید حقوقی مبتنی بر آموزه‌های اسلام برای کشورهای مسلمان در نظر گرفته شود، تصمیم به تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی کرده و قوانین و مقرراتی را برای جنبه‌های حقوق بشری بر اساس شریعت اسلام تدوین و در سال ۱۹۹۰ در سطح دولت‌های اسلامی تصویب کردند. در ایران نیز با توجه به اسلامی بودن حکومت، رویکردهای سیاستگذاری در اسناد بالادستی، به طور عمده توسط آموزه‌های دینی تعیین و تعریف می‌شوند. یکی از این اسناد در سیاستگذاری آموزشی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۱ است که مبتنی بر ارکان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی است. تهیه و تدوین سند تحول بنیادین با این هدف انجام شده است که آموزش و پرورش ایران، گامی در زمینه‌ی تربیت و آموزش شهروندانی متناسب با عصر حاضر باشد.

با جستجو در ادبیات موضوع و پیشینه‌ی پژوهشی مرتبط مشاهده می‌شود که تحقیقات بسیاری در این زمینه و در داخل کشور صورت گرفته است، از جمله:

مرندی و قربانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و ساز و کارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری» به بررسی مبانی و ساز و کارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی ایران و اسناد حقوق بشری پرداخته است و نتیجه می‌گیرد که حق آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای همه، الزام ایجاد آموزش متوسطه در دسترس همه و نیز الزام ایجاد دسترسی مساوی به آموزش عالی، در قانون اساسی ایران و اسناد حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است.

1. Fundamental Reform Document of Education (FRDE)

قهرمانی افشار، پروین و محمدزاده اصل (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «رهیافتی بر رابطه حاکمیت دولت و حقوق شهروندی؛ با تأکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی رابطه حقوق شهروندی با حاکمیت دولت پرداخته و نتیجه می‌گیرد که رابطه‌ای چند سویه و چند محوری میان حقوق شهروندی و حاکمیت دولت برقرار است.

پروین احمدی و سما کشاورز دیزجینی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه آموزش شهروندی و حقوق شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی» به بررسی میزان اهمیت مؤلفه‌های تربیت شهروندی دانشی، نگرشی و مهارتی، در کتاب‌های مطالعات اجتماعی سه پایه‌ی چهارم، پنجم و ششم ابتدایی پرداخته‌اند.

پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه کرامت انسانی در حقوق بشر اسلامی» به بررسی مفهوم حقوق بشر و کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی پرداخته‌اند و نتیجه‌ی تحقیق این است که ادیان الهی نقش بسیار مهمی در ارتقاء حقوق بشر داشته‌اند.

برخورداری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «بررسی و مقایسه تجربه‌آموزی در قرآن کریم و دیدگاه جان دیویی» به تبیین نقاط اشتراک و افتراق «تجربه‌آموزی» در قرآن کریم و آراء جان دیویی پرداخته است.

احمدپور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام» به بررسی مبانی نظری اسلام و تعیین مجموعه‌ی حقوقی به عنوان حقوق شهروندی می‌پردازد. اگرچه پژوهش‌های خوبی در خصوص هر یک از اسناد مذکور صورت گرفته است اما تلاش این مقاله آن است که به بررسی مسئله‌ی آموزش شهروندی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در متن اسناد مذکور بپردازد.

مبانی نظری

شهروندی در نظریه‌های جامعه‌شناسی طیف وسیعی را در برمی‌گیرد و با وجود بررسی در زمینه‌های متفاوت از سوی جامعه‌شناسان مختلف، در همه‌ی این تعاریف محور مشترکی وجود دارد که عبارتند از: هویت شهروندی، نقش و پایگاه شهروندان فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی جامعه، تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی، مشارکت. در ادامه به مهم‌ترین نظریه‌ها در اینخصوص پرداخته می‌شود:

- مارکس: طبقه، آگاهی و حقوق شهروندی

مارکس جامعه را با دو طبقه‌ی حاکم و زیردست مشخص می‌کند و اقتصاد را زیربنای جامعه می‌داند که بر نقش‌های اقتصادی افراد تأثیر می‌گذارد. او عنوان می‌کند که جامعه همیشه عرصه‌ی مبارزه‌ی این دو طبقه است و بازیگران واقعی در فرآیند تاریخ همیشه طبقات اجتماعی بوده‌اند و تحولات ملی و محلی تنها یک جنبه از این فرآیند است. او جامعه مدنی را همان بورژوازی می‌داند که عرصه‌ی مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی نیز صورت ظاهری برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۵). مارکس معتقد بود شهروندی یعنی اطاعت محض اقتصادی، اجتماعی و عملی محرومان در جامعه که نیاز به اصلاح دارد. به عبارتی از آنجا که افراد با پایگاه اقتصادی پایینی در جامعه، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از حقوق شهروندی برخوردار نیستند پس با آموزش و آگاه کردن شهروندان از حقوق خود، می‌توان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. یعنی با آگاهی طبقه‌ی کارگر از جایگاه خود و متحد شدن آن‌ها، انقلاب سوسیالیستی شکل گرفته و نظام سرمایه‌داری به عنوان مانع احقاق حقوق کارگران، سرنگون می‌شود.

- ویر: شهر، شهروندی و دموکراسی

مارکس ویر از لحاظ تاریخی معتقد است که شهروندی با رشد دولت-شهر در یونان باستان مرتبط است یعنی جایی که برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی، یک فضای عمومی فراهم ساخته‌بود. مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت و مدنیت نقش حیاتی داشته‌است، او این مشخصه را منحصر به غرب می‌داند (ذکایی، ۱۳۸۰: ۶۹). از نظر ویر، شهروندی در شهرها شکل گرفته‌است و در حقیقت وابسته به مصلحت اندیشی و تدابیری بود که شهر به عنوان یک اتحادیه‌ی ایستایی و آیین جمعی که اعضای آن بر اساس مالکیت زمین شهری و برخورداری از امور، وظایف و امتیازات ویژه معین می‌شدند، متعهد به در نظر گرفتن آن‌ها بود. از نظر او شهروندی بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه‌ی آن‌ها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار،

حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش داد و ستد رقابت آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصد چون اهداف نظامی بود (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۷). از نظر وبر حقوق اقتصادی ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار می‌آید و در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه آزاد شهروندان نبود. بنابراین می‌توان گفت وبر، بر حقوق سیاسی شهروندان همچون حق رأی و انتخاب نمایندگان توجه داشت و اصل اساسی در این زمینه را مشارکت شهروندان می‌دانست.

- مارشال: حقوق سه گانه‌ی شهروندی

تحلیل تاریخی-جامعه شناختی توماس هامفری مارشال نقطه شروع کلاسیکی برای مبحث شهروندی است (نش، ۱۴۰۰: ۱۵۸). طرح نظری مارشال پاسخی به چالش میان سرمایه‌داری و دموکراسی در دل دولت رفاه است که مسئله‌ی مهم آن برقراری مصالحه و پیوند میان مؤلفه‌های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه داری یعنی طبقه‌ی اجتماعی و بازار و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن است (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۷). به طور خلاصه حل چالش وجود طبقات اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی از سویی و ضرورت تقویت تعهدات اجتماعی-سیاسی همه‌ی اعضای جامعه به نظام اجتماعی از سوی دیگر در طرح شهروندی مارشال بحث شده است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷). او شهروندی را دربردارنده‌ی سه نوع حقوق می‌داند: حقوق مدنی شامل آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می‌کنند، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون. دومین نوع حقوق شهروندی، حقوق سیاسی است، به ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن. سومین حقوق، حقوق اجتماعی می‌باشند، این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. این حقوق شامل، نظام ملی آموزش همگانی، مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است. به سخن دیگر حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود (سیاح و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

- پارسونز: دوگانه‌ی عام‌گرایی - خاص‌گرایی

پارسونز معتقد است تغییراتی نظیر شهری شدن و عقلانیت که در جامعه صنعتی رخ داده، بستر مناسبی برای شهروندی ایجاد کرده‌است. وی با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی و جامعه‌ی مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷). از نظر پارسونز به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی، شهروندی کامل یعنی برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آن‌ها از حقوق خود. بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و باز تولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۷). آنچه که بیش از هر چیزی مورد توجه پارسونز بود، گروه‌های محروم از امتیازات شهروندی است و این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده‌است؟» که برای پاسخ به این پرسش ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد یعنی توجه به نقش اندیشه. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). به عبارتی داشتن نگرش‌های خاص گرایانه‌ی افراد سبب می‌شود آگاهی کمتری از حقوق خود داشته باشند. در این مرحله آموزش نقش اساسی و مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده‌ی افراد جامعه و همچنین ارائه‌ی نگرش‌های عام‌گرایانه به آنان ایفا می‌کند که این مسئله موجب می‌شود افراد از حقوق و وظایف خود آگاه شوند.

- هابرماس: دسترسی برابر به مشارکت و شهروندی

در نظر هابرماس به طور خاص و در اندیشه‌ی سیاسی اجتماعی معاصر به طور عام این حوزه‌ی نوپدید به عنوان «حوزه‌ی عمومی^۱» و «جامعه‌ی مدنی^۲» مطرح شده‌است (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۸). هابرماس معتقد است افراد در بافت حوزه‌ی عمومی و همچنین جامعه‌ی مدنی می‌توانند نقش شهروندی پیدا کنند. یعنی هر فرد در نقش شهروندی به عنوان عضو همه‌ی جامعه‌ی خود

1. Public sphere
2. Civic society

می‌شود و شأن حقوقی خاص و ویژه‌ای دارد. حوزه‌ی عمومی نیز عرصه‌ای است که افراد جهت حضور و مشارکت در مباحث باز و علنی با یکدیگر گرد هم می‌آیند. در این حوزه یکسری اصول غیرقابل حذف هستند از جمله: اصل برابری و اصل امکان دسترسی. حوزه‌ی عمومی از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک خبر می‌دهد برخلاف نهادهایی که دارای روابط قدرت درونی هستند یا تحت سلطه‌ی خارجی قرار دارند. در این حوزه مهم است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد و نتیجه و پیامد گفتگو اهمیت ندارد. پس از نظر هابرماس معرف اصلی شهروندی، مشارکت افراد است که به گونه‌های مختلفی آن را تحلیل کرده‌است و البته دسترسی برابر به حقوق مشارکتی مورد توجه او بوده‌است. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود، در بافت حوزه‌ی عمومی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش شرط ظهور آن، تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت حقوق شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

- اسلام و حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در ادیان الهی از جمله اسلام قبل از اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ وجود داشته‌است. مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که در آیات متعددی^۱ اشاره به خلقت انسان توسط خدا و وابستگی انسان به خداوند در آفرینش و ادامه حیات دارد. در واقع اعتقاد به این که خداوند خالق انسان است و تربیت، پرورش و تدبیر امور انسان نیز برعهده خداست باعث می‌شود که هدایت و قانونگذاری را مختص خدا بدانیم (قهرمانی افشار و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷). همچنین رسول گرامی اسلام (ص) در حدیث شریفی شالوده و بنای حقوق بین انسان‌ها را اینگونه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالْقَوَى» ای مردم بدانید خدای شما یکی است و پدرتان یکی، نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب، نه سیاهپوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاهپوست؛ مگر به تقوا. حضرت علی (ع) نیز در خصوص خوش رفتاری با شهروندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان به مالک

۱. سوره طور، آیه ۳۵؛ سوره واقعه، آیه ۵۸-۵۹.

چنین می‌فرماید: «فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» زیرا آنها دو گروه‌اند یا برادر دینی تواند و یا انسان‌هایی که در آفرینش شبیه تو هستند^۱. به عبارت دیگر اسلام نه تنها این حقوق را برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز محترم شمرده است.

شهروند

اصطلاح شهروند (citizen) از شهر (cite) می‌آید که از واژه‌ی لاتین سیویتاس (civi-tas) مشتق شده است. این کلمه تقریباً معادل کلمه پلیس (police) در زبان یونانی است که همان شهر است و تنها مجتمعی از ساکنین نیست، بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می‌آید (قاضی، ۱۳۷۰: ۱۸). به عبارت دیگر مفهوم شهروندی همراه با دمکراسی در دولت-شهرهای یونانی پدید آمده و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است. واژه (citizen) در فارسی به شهروند، تبعه، همشهری، هم وطن، شارمند، شهرتاش، و انسان عضو اجتماع ترجمه شده است. فرهنگ فارسی امروز شهروند را کسی که اهل یک کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود تعریف نموده است و در «فرهنگ علوم سیاسی» شهروند عبارتست از: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است.»

حقوق شهروندی

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد کوروش هخامنشی در ایران باستان، پایه‌گذار حقوق شهروندی در جهان است. این حقوق در هنگام فتح بابل (۵۳۸ سال قبل از میلاد) صادر شد و مهم‌ترین اصل آن آزادی دین بود. به عقیده برخی از پژوهشگران مفهوم شهروندی که در انقلاب فرانسه به اوج شکوفایی خود رسید، در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۱۹ فرانسه تجلی یافت (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۶۵). اعلامیه حقوق بشر و شهروندی انقلاب فرانسه که با فردگرایی مشخص می‌شود و قوانین اساسی کشورهای جهان از آن الگو گرفته‌اند، بشر را از

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

شهروند جدا نمی‌کند و هر دو را مترادف همدیگر به کار می‌برد. مقصود اعلامیه از شهروند و شهروندان، همه انسان‌ها و ابنای بشری است که در جامعه، ذاتاً دارای حقوقی هستند. این اعلامیه، حاکمیت را متعلق به همه شهروندان از یک جامعه می‌شناسد و قانون را مظهر اراده عموم مردم و حامی آزادی همه آن‌ها می‌داند. به عبارتی حقوق شهروندی، به آن دسته از حقوقی گفته می‌شود که هر شخص در کشور و جامعه خود، به عنوان شهروند می‌تواند از آن‌ها برخوردار شود و دولت و سایر شهروندان ملزم و مکلف به رعایت آن‌ها هستند.

آموزش شهروندی

آموزش شهروندی که یکی از اجزای شهروندی است به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. این آموزش ممکن است به‌طور غیررسمی در خانه یا به‌طور رسمی به در مدارس و دانشگاه باشد. این آموزش‌ها به شهروندان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. ماهیت پیچیده و بحث‌برانگیز مفهوم تربیت شهروندی موجب ارائه برداشت‌ها و تعابیر مختلفی از آن شده است. در ادبیات شهروندی از اصطلاحات مختلفی همچون؛ «تربیت به منظور شهروندی^۱»، «آموزش درباره شهروندی^۲»، «تربیت برای شهروندی دموکراتیک^۳» و «تربیت مدنی^۴» برای اشاره به مفهوم تربیت شهروندی استفاده شده است. تربیت شهروندانی آگاه و توانمند که از یک طرف نسبت به حقوق خود آگاه هستند و از طرف دیگر می‌دانند که راه دستیابی به بیشترین میزان رضایت شخصی از طریق مشارکت فعال در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه حاصل می‌شود، ضرورتی مهم برای هر نظام آموزشی است. بسیاری از صاحب‌نظران، تربیت شهروندی را نیاز ضروری برای زندگی در عصر حاضر می‌دانند. کریک^۵ (۱۹۹۸)، معتقد است که تربیت شهروندی ابزاری قوی برای مراقبت و محافظت

1. Education for citizenship
2. Education about citizenship
3. Education for democratic citizenship
4. Civic education
5. Crick

جامعه دموکراتیک در برابر از هم پاشیدگی، بیگانگی و خودخواهی هاست. هان^۱ (۲۰۰۸)، بر این باور است که با آغاز قرن بیست و یکم گرایش شدیدی در آمریکا راجع به موضوع تربیت شهروندی مشاهده می‌شود. وی معتقد است نویسندگان مختلف نگرانی خود را از کاهش سطح مشارکت سیاسی افراد که در مواردی چون میزان مشارکت در انتخابات و علاقه‌مندی به پیگیری موضوعات عمومی منعکس می‌شود بیان داشته‌اند. اوسلر و استارکی^۲ (۲۰۰۵)، نیز به عواملی چون نگرانی‌های مربوط به بی‌عدالتی و نابرابری‌های جهانی، روند جهانی شدن و مهاجرت و تأثیرگذاری آن بر جوامع محلی و مدارس، دغدغه‌هایی درباره سطوح مشارکت سیاسی و مدنی، اتمام جنگ سرد و ظهور جنبش‌های نژاد پرستانه و ضد دموکراتیک که موجب تشدید علاقه و توجه به تربیت شهروندی گردیده است اشاره می‌کنند. را نام برد. کی‌ثر (۱۹۹۹)، بر این باور است که مسائلی همچون کثرت‌گرایی، چند فرهنگی، میراث و تنوع فرهنگی و نژادی، انسجام اجتماعی، حقوق فردی و جمعی، مسئولیت‌های شغلی و حرفه‌ای، هویت ملی و آزادی طلبی، آموزش شهروندی را با چالش‌های اساسی رو به رو کرده‌است و این عوامل موجب شده‌است که تعریف مشترکی از مفهوم آموزش شهروندی ارائه نشود. وی در تشریح این مفهوم به برداشت حداقلی و حداکثری از تربیت شهروندی اشاره می‌کند. مفهوم حداقلی تربیت شهروندی صرفاً بر آموزش حقوق و مسئولیت‌های فراگیران، ساختار سیاسی، تاریخ ملی و قانون اساسی متمرکز است. مطابق این برداشت، تربیت شهروندی به جای پرورش حس مشارکت در بین دانش آموزان، بر دانش شهروندی تأکید می‌کند. او از این نوع آموزش با عنوان آموزش درباره شهروندی نام می‌برد. در مقابل برداشت حداکثری تربیت شهروندی بر آموزش به منظور شهروندی تأکید می‌کند. این مفهوم شامل دانش، مهارت و ارزش‌ها بوده و دانش آموزان را برای مشارکت فعال و مسئولانه در مدرسه و خارج از آن آماده می‌کند.

سند ۲۰۳۰ یونسکو

رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه‌ی نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستورکار توسعه پایا ۲۰۳۰ را تصویب

1. Hahn

2. Osler & Sturkey

کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه‌ی بین‌المللی را در زمینه توسعه‌ی پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند. این اهداف توسط سازمان ملل تعریف شده‌اند و به عنوان اهداف جهانی برای توسعه پایا ترویج شده‌اند. اهداف توسعه پایا از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ اجرا می‌شوند. این دستور کار، بر اصول کرامت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح، شمول اجتماعی و حفاظت و تنوع قومی، فرهنگی و زبانی و نیز بر مسئولیت مشترک و پاسخگویی استوار است. این بیانیه و برنامه‌ی عملی آن در ایران با نام سند ۲۰۳۰ یونسکو (2030 Education) معروف شد.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه راه، مسیر حرکت و چشم انداز آموزش و پرورش است که بر اساس فلسفه تربیتی برآمده از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت در ۸ فصل تدوین و تنظیم و طی ۱۵ جلسه در شورای عالی انقلاب فرهنگی از بهمن ۱۳۸۹ الی مهر ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید شده‌است. در مقدمه‌ی این سند اشاره شده است که «عرصه‌ی تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه‌ی کشور و ابزاری جدی در راستای ارتقای سرمایه‌ی انسانی شایسته‌ی کشور در زمینه‌های گوناگون است و از این رو، تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در بین ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و خلاق است و این تعلیم و تربیت باید بتواند "حیات طیبه"، "جامعه‌ی عدل جهانی" و "تمدن اسلامی- ایرانی" را تحقق بخشید.

ضرورت تدوین سند تحول عبارتست از: ۱- سخنان حکیمانه رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی- ایرانی و تدوین الگویی اسلامی- ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض عدم بنیان فکری آموزش و پرورش بر اساس فلسفه تربیتی برآمده از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ بومی. ۲- به روز نبودن آموزش و پرورش با مسائل و نیازهای جامعه. ۳- پاسخگو نبودن به نیازهای حقیقی نسل آینده. ۴- کم توجهی به هویت اسلامی- ملی- قومی و محلی. ۵-

الگوگیری از نظام آموزش و پرورش غرب و عدم تناسب با شرایط بومی کشور. ۶- عدم رضایت متریان-والدین و حاکمیت از خروجی های آموزش و پرورش. ۷- کم توجهی به نقش ها و کارکردهای فرهنگ و اجتماعی آموزش و پرورش و تأکید بر ابعاد خاصی از تعلیم و تربیت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر که دستاورد مستقیم جنگ جهانی دوم بوده یک پیمان بین المللی است که در انجمن عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در ذیل ۳۰ ماده، در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه برای نخستین بار به صورت جهانی حقوقی را که تمام انسان ها سزاوار آن هستند، بیان می دارد و اعلام می دارد که حقوق بشر، حقوقی است که همگان در همه زمان ها و مکان ها از آن برخوردارند. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ای را که تمامی انسان ها در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند را مشخص کرده است. منشور بین المللی حقوق بشر از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل انتخابی آن تشکیل شده است. در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی دو میثاق یادشده را به تصویب رساند. در سال ۱۹۷۶ هنگامی که منشور بین المللی حقوق بشر توسط تعداد کافی از ملت ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین الملل تبدیل شد. مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام آور بوده و از اعتبار حقوق بین الملل برخوردارست، زیرا به صورت گسترده ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می رود.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی

جوامع اسلامی و اندیشمندان دینی نسبت به حقوق بشر غربی موضع گیری انتقادی داشته و لذا بدنبال تدوین و تنظیم حقوق جهانی بشر در اسلام بودند (کتابی، ایزدی اودلو، ۱۴۰۰، ۳۴). به همین منظور در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی قوانین و مقرراتی را برای جنبه های حقوق بشری بر اساس شریعت اسلام تدوین و در سال ۱۹۹۰ در نشست قاهره در سطح دولت های اسلامی تصویب کردند. در اعلامیه حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر بر اساس شریعت اسلام، ناشی از کرامت و ارزش ذاتی انسان است و امت اسلامی رسالتی جهانی دارد و اگر چه بشریت به مراحل پیشرفته ای در علوم مادی دست یافته است، اما نیاز مبرم به ایمان و معنویت برای

حمایت از حقوق و تمدن خویش دارد. در مقدمه‌ی این اعلامیه که ۲۵ ماده دارد، آمده است که «به جهت ایفای سهم خود در تلاش‌های بشری که مربوط به حقوق بشر است. حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است. با اعتقاد به این که بشریتی که به بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل حمایت کننده از حقوق خویش می‌باشد و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمانان است، پس هیچ احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیر پا نهادن یا چشم پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتاب‌های خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله‌ی او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی بعمل آورده است، ندارد. بنابراین مراعات آن‌ها، عبادت است و کوتاهی از آن‌ها یا تجاوز بر آن‌ها منکر است و هر انسانی به طور منفرد، مسؤول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن‌ها، مسؤولیت دارد. بدین جهت، دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس، مواد اعلامیه را اعلام می‌نمایند.»

حقوق بشر در ایران

نخستین منشور حقوق بشر توسط کوروش کبیر هنگام فتح بابل (۵۳۸ پیش از میلاد) صادر شد. سلسه مقررات آیین زردشت - که وندیداد نامیده می‌شود - مبتنی بر همین دادنامه است. در زمان اشکانیان نیز بر حق اساسی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌شان، توجه می‌شده است. در دوران ساسانیان نیز زن و مرد، بطور مساوی از حقوق اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده‌اند. پس از ورود اسلام به ایران بیش از گذشته به حقوق بشر توجه شد و نظامی مبتنی بر تساوی حقوق انسان‌ها، پایه‌ریزی شد. در این نظام تقوی ملاک برتری انسان‌ها شد. آیه شریفه «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱ بر همین معنی تأکید می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پاسداشت

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

از حقوق بشر و حقوق شهروندی اصول مختلفی آمده که متضمن حقوق و آزادی‌های مشروع ملت شده است (طالبی، ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰، ۱۱۶) و آنچه در این قانون در مورد حقوق بشر و شهروندی آمده، ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد و تمامی حقوق ذکر شده نمی‌بایستی با شرع اسلام در تضاد باشد (ساجدی، ۱۳۹۵: ۵۴) و طبق اصول حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان خارج از اراده‌ی الهی و دستورات وی حقی را برای انبای بشری در نظر گرفت (قهرمانی افشار و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸).

روش پژوهش

هدف این پژوهش بررسی، بیان و مقایسه‌ی وضعیت آموزش شهروندی در اعلامیه حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو و همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی است که می‌توان این روش را تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (سپیدنامه، فراستخواه و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۴). چهار سند مذکور جامعه آماری تحقیق را شکل می‌دهند. روش کار در این پژوهش به این صورت است که محتوای اسناد مذکور بر اساس مؤلفه‌های شهروندی در سه مقوله دانش شهروندی، نگرش شهروندی و مهارت شهروندی، مورد تحلیل قرار گرفته است. برای تحلیل متن از واحد تحلیل (کلمه) به منظور شمارش واحدهای مرتبط با مقوله‌های تحقیق استفاده شده است. برای مطالعه از روش سه مرحله‌ای آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش دهی استفاده شده است. در مرحله‌ی آماده‌سازی به مسئله‌ی پژوهش، سؤالات پژوهش و متغیرها پرداخته شده است. در مرحله‌ی سازماندهی واحدهای تحلیل انتخاب و کدگذاری شده‌اند و در مرحله‌ی گزارش به تحلیل و استنباط نتایج بدست آمده پرداخته شده است. بر این اساس آموزش شهروندی از نقطه نظر چهار منبع مذکور، سه مؤلفه‌ی مورد نظر و ۲۸ خرده مؤلفه، شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های حاصل از تحلیل اعلامیه حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو بیان می‌شود. در ابتدا مؤلفه‌ها

و شاخص‌های آموزش شهروندی و منابع ذکر شده‌ی این شاخص‌ها در جدول شماره ۱ آورده شده است. سپس مجموع فراوانی‌های به دست آمده بر حسب هر مؤلفه در جدول شماره ۱، در جدول شماره ۲ درآمده‌اند و در نهایت توزیع فراوانی مؤلفه‌های مورد پژوهش بررسی شده‌اند تا بدین طریق بیشترین میزان توجه و کمترین میزان توجه به مؤلفه‌ها مشخص شود.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش شهروندی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	منابع
دانش شهروندی	قوانین و مقررات (قانون اساسی، قوانین اجتماعی...)	علیخانی (۱۳۸۲)، دیباواجاری (۱۳۹۵)، ژارنل (۲۰۱۰)، طاهرپور (۱۳۸۷)
	عوامل مخل و آسیب رسان محیط زیست	علیخانی (۱۳۸۲)، لچستر و همکاران (۲۰۰۲)، خامسی و همکاران (۱۹۹۹)
	اهمیت رسانه‌ها در جامعه	ژارنل (۲۰۱۰)، خامسی و همکاران (۱۹۹۹)، تارنر و بیکر (۲۰۰۱)، طاهرپور (۱۳۸۷)
	دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور	تارنر و بیکر (۲۰۰۱)، لچستر و همکاران (۲۰۰۲)، آبوویتز و هارنیش (۲۰۰۶)
	وظایف دولت و مجلس	دیباواجاری (۱۳۹۵)، ژارنل (۲۰۱۰)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)
	وابستگی متقابل جهانی و مسائل و چالش‌های آن	ژارنل (۲۰۱۰)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)
	اشکال مختلف حکومت	ژارنل (۲۰۱۰)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، پرایور (۲۰۰۱)، مک دونالد (۱۹۹۹)
	حقوق و وظایف شهروندی	ژارنل (۲۰۱۰)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، بنکس (۲۰۰۸)، آبوویتز و هارنیش (۲۰۰۶)
	نقش و اهمیت خانواده	دیباواجاری (۱۳۹۵)، علیخانی (۱۳۸۲)، لطف آبادی (۱۳۸۵)
	نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	ژارنل (۲۰۱۰)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)، مک دونالد (۱۹۹۹)

بررسی جایگاه آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند ۲۰۳۰ یونسکو و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی الهام فرهادی، محمد سالار کسرائی، مجید توسلی رکن آبادی

توانایی انتخاب و تصمیم گیری	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، پرایور (۲۰۰۱)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)، سیرز (۱۹۹۹)	مهارت شهروندی
حل مسئله	عابدینی (۱۳۸۷)، خسروی (۱۳۸۶)، نونین چهل (۱۳۸۶)، نوری و محمدخانی (۱۳۷۷)	
استفاده درست از امکانات شهری	سیف نراقی و همکاران و همکاران (۱۳۸۸)، علیخانی (۱۳۸۲)	
مسئولیت پذیری	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، آبویتز و هارنیش (۲۰۰۶)، پرایور (۲۰۰۱)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)	
مهارت مربوط به برقراری ارتباط	عابدینی (۱۳۸۷)، خسروی (۱۳۸۶)، نونین چهل (۱۳۸۶)، نوری و محمدخانی (۱۳۷۷)	
خودآگاهی	عابدینی (۱۳۸۷)، خسروی (۱۳۸۶)، نونین چهل (۱۳۸۶)، نوری و محمدخانی (۱۳۷۷)	
ارزیابی نقادانه مسائل	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)	
رعایت بهداشت فردی و عمومی	سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، لطف آبادی (۱۳۸۵)، علیخانی (۱۳۸۲)	
توانایی گفتگو	فرمهنی فراهانی (۱۳۸۴)، علیخانی (۱۳۸۲)	
مهارت مربوط به همدلی	سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، عابدینی (۱۳۸۷)، خسروی (۱۳۸۶)، نونین چهل (۱۳۸۶)	
پذیرش تنوع و تکثر	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، تارنر و بیکر (۲۰۰۱)، خامسی و همکاران (۱۹۹۹)	نگرش شهروندی
حس وطن پرستی	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، ژارنل (۲۰۱۰)، پرایور (۲۰۰۱)، خامسی و همکاران (۱۹۹۹)، مک دونالد (۱۹۹۹)	
قدرشناسی از میراث فرهنگی کشور	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، علیخانی (۱۳۸۲)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)	
روحیه عدالت خواهی	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، فرمهنی فراهانی (۱۳۸۴)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)	
احترام به حقوق دیگران	فرمهنی فراهانی (۱۳۸۴)، بنکس (۲۰۰۸)، لچستر و همکاران (۲۰۰۲)	
انتقادیگری و انتقاد پذیری	دیبا واجاری (۱۳۹۵)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، آبویتز و هارنیش (۲۰۰۶)	
تعاون و همکاری	فرمهنی فراهانی (۱۳۸۴)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، لطف آبادی (۱۳۸۵)، یونسکو (۲۰۰۸)	
علاقه به صلح و پیشرفت جهانی	ژارنل (۲۰۱۰)، سیف نراقی و همکاران (۱۳۸۸)، بنکس (۲۰۰۸)، تارنر و بیکر (۲۰۰۰)	

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۸۴۹ واحد ضبط شمارش شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیشترین فراوانی مربوط به نگرش شهروندی و کمترین فراوانی مربوط به شاخص مهارت‌های شهروندی است و شاخص احترام به حقوق دیگران در مؤلفه‌ی نگرش شهروندی بیشتر از دیگر شاخص‌ها در این مؤلفه مورد توجه قرار گرفته است.

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی از مجموع ۲۴۰۸ واحد ضبط شمارش شده، بیشترین فراوانی مربوط به دانش شهروندی و کمترین فراوانی مربوط به شاخص مهارت‌های شهروندی است و شاخص وظایف دولت و ملت در مؤلفه‌ی دانش شهروندی بیش از دیگر شاخص‌ها در این مؤلفه مورد توجه قرار گرفته است.

در خصوص سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو نیز از مجموع ۱۹۵۸۹ واحد ضبط شمارش شده، بیشترین فراوانی مربوط به دانش شهروندی و کمترین فراوانی مربوط به شاخص مهارت‌های شهروندی است و شاخص نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در مؤلفه‌ی دانش شهروندی، با بالاترین فراوانی، بیش از دیگر شاخص‌ها در این بخش مورد توجه قرار گرفته است.

و در نهایت از مجموع ۸۵۱۵ واحد ضبط شمارش شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، بیشترین فراوانی مربوط به دانش شهروندی و کمترین فراوانی مربوط به شاخص مهارت‌های شهروندی است و شاخص نقش و اهمیت خانواده در مؤلفه‌ی دانش شهروندی بیش از دیگر شاخص‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

در مجموع شاخص‌های مربوط به دانش شهروندی بیشتر از شاخص‌های مهارت و نگرش شهروندی در سه سند اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند و اعلامیه جهانی حقوق بشر با اختلاف تنها یک واحد ضبط شمارش شده، نگرش شهروندی را بیشتر از دانش شهروندی مورد توجه قرار داده است. بر همین اساس می‌توان کمترین اهمیت در میان مؤلفه‌های آموزش شهروندی را با توجه به این جدول مشاهده کرد. در میان مؤلفه‌های آموزش شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر شاخص‌های عوامل مخل و آسیب رسان محیط زیست، اهمیت رسانه‌ها در جامعه، دانش درباره نظام انتخاباتی کشور، وظایف دولت و مجلس، وابستگی متقابل جهانی و مسائل آن، اشکال مختلف حکومت، مهارت حل مسئله، استفاده درست از امکانات شهری، مسئولیت

پذیری فردی و اجتماعی، مهارت مربوط به برقراری ارتباط، خودآگاهی، ارزیابی نقادانه‌ی مسائل، رعایت بهداشت فردی و عمومی، توانایی گفتگو و دیالوگ، مهارت همدلی، پذیرش تنوع و تکرر، حس وطن دوستی، قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی کشور، روحیه انتقادگری و انتقاد پذیری به طور کلی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

کمترین توجه به مؤلفه‌های آموزش شهروندی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی هم شامل مفاهیم و مؤلفه‌هایی است که هیچ اشاره‌ای به آن‌ها نشده‌است. این مفاهیم عبارتند از: عوامل محل و آسیب رسان محیط زیست، اهمیت رسانه‌ها در جامعه، دانش درباره نظام انتخاباتی کشور، وابستگی متقابل جهانی و مسائل آن، اشکال مختلف حکومت، حقوق و وظایف شهروندی، مهارت حل مسئله، مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی، برقراری ارتباط، خودآگاهی، ارزیابی نقادانه‌ی مسائل، توانایی گفتگو و دیالوگ، مهارت همدلی، حس وطن دوستی، قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی کشور، روحیه عدالت خواهی، روحیه انتقادگری و انتقاد پذیری، تعاون و همکاری و علاقه‌مندی به صلح و پیشرفت جهانی. که هیچیک از این مؤلفه‌ها در اعلامیه حقوق بشر اسلامی جایگاهی ندارند.

در میان مؤلفه‌های آموزش شهروندی در سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو شاخص‌های: دانش درباره نظام انتخاباتی کشور، وظایف دولت و مجلس، اشکال مختلف حکومت، مهارت مربوط به برقراری ارتباط، خودآگاهی، ارزیابی نقادانه‌ی مسائل، توانایی گفتگو و دیالوگ، مهارت همدلی، پذیرش تنوع و تکرر، حس وطن دوستی، روحیه انتقادگری و انتقاد پذیری به طور کلی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران کمترین توجه به مؤلفه‌های آموزش شهروندی عبارتند از: دانش درباره نظام انتخاباتی کشور، وظایف دولت و مجلس، اشکال مختلف حکومت، نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مهارت حل مسئله، استفاده درست از امکانات شهری، مهارت خودآگاهی، ارزیابی نقادانه‌ی مسائل، توانایی گفتگو و دیالوگ، تقویت روحیه انتقادگری و انتقاد پذیری. که هیچیک از این مؤلفه‌ها در اعلامیه حقوق بشر اسلامی جایگاهی ندارند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی مقوله‌های تحقیق در اسناد مورد تحقیق

مؤلفه منبع	دانش شهروندی در متن سند	تعداد واحد تحلیل شماره شده	درصد واحد تحلیل شماره شده	نگرش شهروندی در متن سند	تعداد واحد تحلیل شماره شده	درصد واحد تحلیل شماره شده	نگرش شهروندی در متن سند	جمع کل واحد تحلیل شماره شده در متن سند	درصد کل واحد تحلیل شماره شده در متن سند
اعلامیه جهانی حقوق بشر	۲۸	۱/۵۱	۴	۰/۲	۲۹	۱/۵۶	۶۱	۳/۲	
اعلامیه حقوق بشر اسلامی	۲۶	۱/۰۷	۶	۰/۲۴	۷	۰/۲۹	۳۹	۱/۶	
سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو	۲۱۲	۱/۰۸	۵۳	۰/۲۷	۱۵۲	۰/۷۷	۴۱۷	۲/۰۹	
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۵۷	۰/۶۶	۱۸	۰/۲۱	۲۴	۰/۲۸	۹۹	۱/۱۶	

در جدول شماره ۳ می‌توان به راحتی متوجه شد که نه تنها آموزش شهروندی در این اسناد مورد نظر بوده بلکه در برخی از این اسناد میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش شهروندی به طور یکسان بوده است. به عنوان مثال دانش شهروندی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی و سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو تقریباً به یک اندازه مدنظر قرار گرفته است و یا توجه به نگرش شهروندی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز تقریباً به یک میزان بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۱۸۴۹ واحد تحلیل شماره شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۶۱ مورد فراوانی در خصوص مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش شهروندی مشاهده می‌شود، به عبارتی حدود ۳/۲ درصد مؤلفه‌های آموزش شهروندی در متن اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه بوده است. در همین راستا از مجموع ۲۴۰۸ واحد تحلیل شماره شده

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی تنها ۳۹ مورد فراوانی در رابطه با مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش شهروندی مشاهده می‌شود. به عبارتی حدود ۱/۶ درصد مؤلفه‌های آموزش شهروندی در متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی مورد توجه بوده‌است. یعنی در اعلامیه جهانی حقوق بشر بیش از اعلامیه حقوق بشر اسلامی به مؤلفه‌های آموزش شهروندی پرداخته شده‌است.

از مجموع ۸۵۱۵ واحد تحلیل شمارش شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تنها ۹۹ مورد فراوانی در رابطه با مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش شهروندی مشاهده می‌شود. به عبارتی حدود ۱/۱۶ درصد مؤلفه‌های آموزش شهروندی در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد توجه بوده‌است و از مجموع ۱۹۵۸۹ واحد تحلیل شمارش شده در سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو، ۴۱۷ مورد فراوانی در خصوص مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش شهروندی مشاهده می‌شود، به عبارتی حدود ۲/۰۹ درصد مؤلفه‌های آموزش شهروندی در متن سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو مورد توجه بوده‌است. به عبارت دیگر با وجودیکه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از اسناد بالادستی در فرآیند سیاستگذاری آموزشی در کشور است کمتر از سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو به مؤلفه‌های آموزش شهروندی پرداخته‌است. همچنین این فراوانی‌ها در سه مقوله کلی دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی توزیع شده و نتایج نشان می‌دهند مؤلفه‌های آموزش شهروندی نه تنها از توزیع نرمال و مناسبی در این اسناد برخوردار نیستند بلکه با توجه به اهمیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در فرآیند سیاستگذاری آموزشی ایران انتظار می‌رود توجه به مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش شهروندی به طور جدی دنبال شده‌باشد.

از آنجا که دانش، مهارت و نگرش شهروندی با یکدیگر در ارتباطند و عدم پرداختن به برخی از آن‌ها موجب نقص در دیگر مؤلفه‌ها می‌باشد لذا با توجه به بررسی اسناد مذکور به نظر می‌رسد این اسناد برای تجهیز شهروندانی با توانایی حل مسئله و مواجهه با مسائل ملی و جهانی ناکافی و ناکارآمد می‌باشند. سند تحول آموزش و پرورش به عنوان یکی از اسناد بالادستی مورد توجه و اساسی در سیاستگذاری آموزشی کشور نه تنها به میزان قابل توجه به آموزش شهروندی پرداخته‌است که حتی برخی مؤلفه‌های اساسی چون دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور، وظایف دولت و مجلس، آشنایی با اشکال مختلف حکومت، نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای، مهارت حل مسئله، استفاده درست از امکانات شهری، مهارت خودآگاهی، ارزیابی نقادانه‌ی مسائل، توانایی گفتگو و دیالوگ، روحیه انتقادگری و انتقادپذیری در این سند به هیچ

عنوان مورد نظر واقع نشده است. رویکرد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نسبت به رابطه‌ی علم و جامعه، برگرفته از رویکرد غالبی است که تاکنون بر فضای علمی جامعه‌ی ایران سایه افکنده و آن، اعتقاد به "مدل کمبود" می‌باشد (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱). به عبارتی رویکردی غالب است که بر ارائه دانش تأکید دارد و مهارت و نگرش شهروندی را بسیار کم مورد توجه قرار می‌دهد. این مدل معتقد است جامعه به دانش و علم نیاز دارد چرا که درک مناسبی از علم در جامعه وجود ندارد و جامعه در این زمینه دچار کمبود و نقصان است. لذا فرایند آموزش باید از آموزش دهندگان به فراگیران انجام پذیرد. در این مدل تنها راه توسعه‌ی کشور، افزایش دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و مدارس است. در حالیکه شیوه‌های جدیدی که برای تولید دانش مطرح شده‌اند بر "شبکه سازی" و تعامل بین آموزش دهندگان و فراگیران اشاره دارند.

از سوی دیگر توجه به این نکته حائز اهمیت است که آموزش شهروندانی مجهز به دانش، مهارت و نگرش شهروندی متناسب با جوامع امروزی، نیازمند ارتباط مؤثر و عمیق میان عناصر مختلف آموزش و وابسته به کل نظام آموزشی در یک کشور است. آموزش شهروندی نه تنها می‌تواند به عنوان یک برنامه‌ی درسی مستقل مدنظر قرار گیرد بلکه می‌تواند به عنوان موضوعی میان رشته‌ای در سیاستگذاری‌های آموزشی لحاظ گردد.

همچنان که دیویی معتقد بود که «مدرسه به مثابه جامعه‌ای کوچک است که در آن دانش آموزان به عنوان عناصر فعال کار می‌کنند و نیز محیطی برای یادگیری مشارکتی است» می‌توان زندگی اجتماعی در مدارس را عاملی برای تمرین شهروندی در نظر گرفت.

منابع

۱. ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۳). شهروند و حقوق شهروندی: نگرشی نو در حقوق شهروندی. انتشارات پرپور.
۲. احمدپور، ایوب (۱۳۸۷). «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام»، مجله پژوهش‌های اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۱۹-۱۴۲.
۳. احمدی، پروین و کشاورز دیزجینی، سما (۱۳۹۷). «جایگاه آموزش شهروندی و حقوق شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، مجله اخلاق زیستی، ویژه‌نامه حقوق شهروندی.
۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸).
۵. اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰).
۶. اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹).
۷. برخوردار، مهین (۱۳۹۰). تبیین و ارزیابی چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش ایران، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۸. پورحسن، شکوفه و فلاحی، فاطمه (۱۳۹۲). «جایگاه کرامت انسان در حقوق بشر اسلامی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۲۳-۱۴۱.
۹. توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۳۲-۶۲.
۱۰. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). آموزش شهروندی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۹، سال چهارم، صص ۵۵-۹۴.
۱۱. ساجدی، امیر (۱۳۹۵). «حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۳۶، صص ۴۱-۵۹.
۱۲. سپیدنامه، بهروز، فراستخواه، مقصود، رحمانی، جبار (۱۳۹۷). «گفتمان علم و دین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره ششم، شماره ۴.

۱۳. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴). «چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۰.
۱۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰).
۱۵. شیان، ملیحه (۱۳۸۱). «وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۶. طالبی، عباسعلی، ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی وضعیت حقوق بشر در ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره ۲۳، صص ۱۰۹-۱۴۱.
۱۷. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۹). «تحلیل حقوق مبانی و عوامل نقض‌های سیستمی حقوق شهروندی در ایالات متحده امریکا»، دو فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره نهم، شماره ۱۹، صص ۱۹۱-۲۱۶.
۱۸. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.
۱۹. قهرمانی افشار، یاسر؛ پروین، خیرالله و محمدزاده اصل، محمد (۱۴۰۰). «رهیافتی بر رابطه حاکمیت دولت و حقوق شهروندی؛ با تأکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره ۲۲، صص ۷-۳۲.
۲۰. کتابی، امیرعلی، ایزدی اودلو، عظیم (۱۴۰۰). «حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه و تطبیق آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری»، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره چهارم، صص ۳۳-۵۳.
۲۱. مرنندی، الهه و قربانی، اعظم (۱۴۰۰). «مبانی و ساز و کارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره ۲۰، صص ۷۹-۱۰۲.
۲۲. نش، کیت (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ نوزدهم، تهران.
۲۳. هزار جریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰). «آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم، صص ۱-۱۸.
24. Abowitz, K.K and Harnish. J. (2006). Contemporary discourses of citizenship. American educational research journal. 37(4). Pp 877-907.

25. Banks, J.A (2008). Diversity & Citizenship Education in Global Times. The sage handbook of Education for Citizenship and Democracy. Los Angeles: SAGE.
26. Crick, B.1998. Qualification and curriculum authority education for citizenship and the teaching of democracy in school: A final report of the advisory group on citizenship. Online:www.qca.org.uk/download/6123-crick-report
27. Hahn, C.L. (2008). Education for Citizenship and Democracy in the united states. The sage handbook of Education for Citizenship and Democracy. Los Angeles: SAGE.
28. Journell, W. (2010). Standardizing citizenship: the potential influence of state curriculum standards on the civic development of adolescents. University of North California at Greensboro.
29. Leicester, M. Modgil, C and Modgil, S. (2002). Education, culture and values. London. Falmer press.
30. Macdonald, D. J. (1999). Implementation of programs of deliberation and civic apathy upon liberal democratic polities. Unpublished master of thesis. University of western Ontario.
31. Osler, A. and Sturkey, H (2005). Changing Citizenship: Democracy and inclusion in Education. Maid head: Open University press.
32. Prior, W. (2001). Citizenship Education: Australia experiences. SLO. Netherland.
33. SEED: Scottish Executive Education Department. 2006. Education for Citizenship. HMIE.
34. Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development. (2015).
35. Turner, D. and Baker,P. (2001). Developing citizenship in secondary education: A whole school resource. London. Kogan Page Limited.